



ارتباط کرانه های مکران با آسیای میانه

هارتلند جدید جهان

دکتر پیروز مجتهدزاده

کمتر از یک سال از فروپاشی نظام ژئوپولیتیک جهان دو قطبی در نتیجه فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ گذشته بود که نگارنده نخستین بررسی ژئوپولیتیک جهان دگرگون شونده را به زبان انگلیسی منتشر کرد و جایگاه جدید ژئوپولیتیک ایران را در آن تحولات شگرف به عنوان پل سرزمینی ارتباط دهنده منطقه خزر - آسیای مرکزی به شاهراه های بازرگانی دریایی بین المللی در اقیانوس هند ترسیم نمود (۱). این ترسیم جدید جغرافیای سیاسی منطقه آسیای جنوب باختری که بعد از آن تاریخ در چند نوبت در کتاب ها و مقالات و سخنرانی های فارسی و انگلیسی نگارنده منعکس شد (۲) در مجموع، به صورت "نظریه ای" ژئوپولیتیک در آمد که اجرای عملی آن می توانست ایران را در مقام حلقه واسطه ارتباطات گسترده جاده ای و راه آهن و راه های دریایی میان آسیای مرکزی و اقیانوس هند، به هارتلند پر اهمیتی در ژئوپولیتیک فرا مدرن یا ژئوپولیتیک دنیای قرن بیست و یکم و پس از آن تبدیل کند. این چشم انداز ژئوپولیتیک فوق العاده مهم در سطحی جهانی مورد توجه قرار گرفت ولی، علیرغم اقتباس هایی که از آن زیر عنوان "گریدور شمال و جنوب" به فارسی منعکس شد، متأسفانه تا کنون مورد توجه جدی دولت های ایران قرار نگرفته است. در شرح این فرضیه ژئوپولیتیک کرانه های دریای مکران (دریای عمان) میان دو منطقه جاسک و چابهار محور کرانه ای را در ترسیم جغرافیای سیاسی منطقه مجسم می سازد که اگرچه هنوز توسعه ضروری را در قیاس الزامات ژئوپولیتیک فراهم آمده در نتیجه تحولات جغرافیایی - سیاسی بعد از فروپاشی جهان دو قطبی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ حاصل نکرده است ولی کرانه های مکران در چشم انداز دگرگونی های سریع در جهان ژئوپولیتیک اوایل قرن بیست و یکم در منطقه آسیای باختری می تواند شاهد توسعه چشمگیری باشد در مقام یکی از مهمترین نقاط کرانه ای ایران برای توسعه بازرگانی دریایی خاور جهان و در مقام پیش بندی برای کشورهای محاصره شده در خشکی آسیای مرکزی معضل بزرگ "ژئوپولیتیک دسترسی" آسیای باختری را حل کند. ایران برای دورانی دراز از سوی ابرقدرت همسایه در جناح شمالی خود به عنوان مانع سرزمینی تلقی می شد که از دسترسی اش به "آبهای گرم" جنوب - خلیج فارس و اقیانوس هند - جلوگیری می کند و باید برآن چیره شد (۳). ولی در دوران پس از فروپاشی شوروی و جهان دو قطبی این کشور در مقام دارنده پتانسیل یک پل سرزمینی ارتباط دهنده پر اهمیتی سر برآورد که می تواند کوتاه ترین، امن ترین و با صرفه ترین راه ارتباط دادن منطقه خزر - آسیای مرکزی به راه های بازرگانی بین المللی از طریق اقیانوس هند را در اختیار گذارد.

■ مقدمه

آسیای باختری در بر گیرنده منطقه ژئوپولیتیک اوراسیا است و از سرآغاز قرن بیستم که سرهارلفورد مکیندر Sir Harlford Mackinder انگلیسی فرضیه "هارتلند - heartland" جهان ژئوپولیتیک سنتی را در نقطه ای واقع در باختر آسیا و خاور اروپا تعیین کرد، مفهوم "هارتلند" در مرکز اندیشه های ژئوپولیتیک جهان قرار گرفت. اما از هنگامی که پس از تجربه شکست در جنگ جهانی دوم، آلمان و ژاپن فتح بازارهای بین المللی را آغاز کردند و از هنگامی که شوروی پیشین اندکی پس از پایان همان جنگ توانست بر فراز موانع جغرافیایی پلی ژئو - استراتژیک بسته و حضور نیرومندی را در اقیانوس های پهناور گیتی اعلام کند، فرضیه هارتلند مکیندر کارایی خود را از دست داد.

برخلاف مکیندر که به اتکای چیره بودن کشورش (بریتانیا) بر جهان نیمه نخست قرن بیستم، دنیا را «محیط سیاسی یکپارچه» ای می دید، اندیشمندان ژئوپولیتیک نیمه دوم قرن بیستم جهان را «محیط سیاسی ازهم گسیخته» ای فرض کردند که میان چند ساختار منطقه ای تقسیم می شود. افزون بر آن، فروپاشی ساختار سیاسی جهانی توازن یافته میان دو اردوگاه شرق و غرب در دهه واپسین قرن

به برگزار کنندگان اعلام کرد که بحث در باره اوراسیا بحثی اقتصادی است و باید در چارچوب مباحث اقتصادی پی گیری شود. در پاسخ این ادعا نگارنده اعلام کرد که بحث در باره "پل سرزمینی اوراسیا" نمی تواند تنها یک برنامه توسعه اقتصادی برای منطقه اوراسیا باشد، بلکه این بحث سنگ زیر بنای برنامه ای محسوب می شود برای بازسازی جهان سیاسی که می تواند گزینه جدیدی محسوب شود برای جهان بشری در برابر و برای جانشین شدن نظام جهانی تک قطبی که نوحافظه کاران آمریکایی می کوشند زیر عنوان "نظام نوین جهانی - New World Order" به خانواده بشری تحمیل کنند.

■ ژئوپولیتیک ایران و اقیانوس هند

آنچه تردیدی در بحث باقی نمی گذارد تاثیر گسترده پدیده جهانی شدن، دست در دست پدیده هایی چون شهرهای جهانی و مجازی، است که بر فزونی گرفتن چشمگیر بازرگانی ماورای اقیانوسی که از اواخر قرن بیستم بازرگانی جهانی را در فضای مجازی به مقیاس های باورنکردنی گسترش داد جهان مطالعات ژئوپولیتیک را به ژئوپولیتیک فضای مجازی وارد کرد. آشکار است که اقیانوس آرام و اقیانوس

بیستم همزمان بود با فرا آمدن دنیایی سرشار از نو شدن های ساختار ژئوپولیتیک جهان در نتیجه انفجار در تکنولوژی اطلاع رسانی که اقتصاد بازار آزاد را در ماورای مرزها و حاکمیت های ملی، یعنی در سطحی جهانی مطرح کرد. دگرگون شدن سریع ساختار سلسله مراتبی قدرت در نتیجه این تحول بزرگ در دیده نسل تازه ای از جهانی اندیشان باخترزمین "دوران پسا مدرن - the age of post-modernity" نام گرفت. اما از آنجا که دوران مدرن همان دوران زمان حال است و پسامدرن علی الاصول باید شامل دوران پس از دوران حال باشد که هنوز نیامده است، در این نوشته ترجیح بر آن نهاده می شود که از آن مفهوم به صورت "دوران فرامدرن - ultra-modern" (فرا تر از شرایط زمان حال = خیلی مدرن، نه پس از آن) یاد شود.

یکی از آخرین اجتماعی که در عصر تحولات سریع در نظام ژئوپولیتیک جهان تشکیل شد، کنفرانس "پل سرزمینی اوراسیا - The Eurasian Landbridge" بود که در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷ با شرکت نگارنده، از سوی انستیتو شیلر Schiller Institute در کیدریچ Kiedrich آلمان برگزار شد (۴). در آن کنفرانس پروفسور منشیکف Menshikov Stanislav از روسیه خطاب